قرائت کربلائی کاظم

شاگرد۲: در این مسائلی که مطرح میکنید اعجازی که به مرحوم کربلائی کاظم شد جایگاهی دارد؟ به چه قرائتی می خواندهٔ؟

استاد: من عرض کردم شما نبودید. از کربلائی کاظم دو قضیه داریم که خیلی جالب است. یکی در جرعهای از دریا است. ایشان خودشان میگویند که من از خودش پرسیدم و او قرائتی خواند که از قرائت رایج نبود. اصلاً از قراء سبعه نبود. خدا رحمت کند آقای رازی را. میگویند ایشان تبیان را آورد. در تبیان قرائت ابن مسعود خیلی گستردهٔ است. کجا بود؟«وَ اللَّیْلِ إِذْ أَدْبَرَ»[1]؛ قرائت مشهور این است. در قرائت دیگر دارد: «و اللیل اذا دبر». این را در جرعه فرمودهٔ بودند که من در حاشیهٔ مرحوم شبر دیدم. فرمودند آن وقت مرحوم کربلائی کاظم خواند: «و اللیل اذا ادبر»، یعنی دو الف دارد که در مصحف نیست. اول هم پرسیدم قرائت رایج است؟ گفت بله. بعد میگویند تبیان را آوردیم و دیدیم در قرائت ابن مسعود «و اللیل اذا ادبر» است. یعنی کربلائی کاظم در آن جا قرائت ابن مسعود را خواندهٔ است.

قضیهٔ دیگر را بالای منبر نقل کردند. گفتند آقای موحدی –دامادِ آقای بهاء الدینی- گفتهاند من خودم نزد آقای بروجردی نشستهٔ بودم. کربلائی کاظم آمد و فرمود سورهٔ یاسین را بخوان. خواند تا اینجا که «قالُوا یا وَیْلَنا مَنْ بَعَثَنا مِنْ مَرْقَدِنا[2]» را به این صورت خواند «ای ویلنا من بَعَثنا»، گفتند دوبارهٔ بخوان. دوبارهٔ همین را خواند.

شاگرد: اینکه میگویند با این قرآنی که در دست ما است تطبیق دادند و کاملاً مطابق بود، اشتباه است؟ چون پسرشان نقل میکنند که وقتی ما قرآن را تطبیق دادیم همین قرآن بود. حتی ایشان «ال یاسین» می خواندهٔ است.

استاد: با این توضیحاتی که من دادم مانعی ندارد. حتی مانعی ندارد چون ایشان به اعجاز می خواندهٔ، خودش نمی دانستهٔ که دارد میخواند. روی یک قرائت «آل یاسین» هم بخواند، مانعی ندارد. چون همهٔ اینها روی یک مبانیٔ درست است. اتفاقا اعجاز همین است. ولی روی مبانی حرف واحدی که الآن سیطرهٔ پیدا کردهٔ، عجائبی میگویند. مثلاً میگویند شیطان به دهنش انداختهٔ ...! اینها گفتهٔ شدهٔ. چطور در مورد آقای کربلائی کاظم که اعجاز بودهٔ بگویی مثلا کم گذاشتهٔ است! کم نگذاشتهٔ است.

شاگرد: شما میفرمایید هر بار یک قرائتی را می خواندهٔ؟

استاد: اصلاً مانعی نداشتهٔ. عاصم و ... این کار را میکردند. زمان معصومین خودش همین روال بودهٔ. چرا؟ چون اینها را متواتر میدانستند. یعنی با روایات متعدد میگفتند اینها اقراء شارع است. وقتی اقراء شارع است چه مشکلی دارد؟! این مبانی رایج آن زمان بودهٔ. الآن هم در فضای شهید ثانی همین است. مقاصد العلیهٔ شهید چه بود؟ گفتند «کل مما نزل به روح الامین علی قلب سید المرسلین». وقتی «کل مما نزل» است، اگر کربلائی کاظم بود شما به ایشان ایراد میگیرید؟!

شاگرد: می‌گوید ایشان یک جور خوانده است.

استاد: چه کسی گفته؟ در یک مجلس یک جور خوانده است. آقای موحدی می‌گوید خود من بودم. آن آقا روی منبر گفتند که وقتی به خانه رفتید دو جای قرآنتان را خط بزنید. ایشان هم روی مبانی معروف گفته است. اما روی مبانی‌ای که ما بحث می‌کنیم اصلاً نیازی به خط زدن ندارد. ایشان گفته به خانه بروید و دو جا را خط بزنید. یکی از آن‌ها همین است؛ «قالوا یا ویلنا من بعثنا»، گفته «مَن بَعَثَنَا» را خط بزنید و بکنید «من بَعثنا». چرا؟ چون خود آقای موحدی به من گفتند که نزد آقای بروجردی نشسته بودیم و کربلائی کاظم به این صورت خواند. وقتی هم که به مجمع مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که قرائت امیرالمؤمنین به همین صورت است. اما نه از قرائت متواتر. در قرائت امیرالمؤمنین بود «یا ویلنا من بَعثنا». به نظرم در مجمع باشد. شاید در تبیان هم باشد. بله در تبیان هم بود. تازه گیر نگاه کردم. منظور این‌که این فضای بحث از نظر بحث علمی خیلی متفاوت می‌شود. از نظر بحث علمی و آثاری دارد.

---

[1]المدثر : ۳۳

[2]یس۵۲

بازبینی #2
ایجاد شده 22 آوریل 2024 15:25:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 09:53:41 توسط ... .